

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

شنبه ۲۳ نوامبر ۲۰۱۹

فریده نوری

اظهار امتنان

بگذار به این عاقبت تار بگیریم
بگذار که چون ابر به گل زار بگیریم
بگذار که از دوری مرجان بگیریم

بگذار بگیریم من و بگذار بگیریم
در ماتم پژمردن گل های امیدم
او رفت و امید دل من دور شد از من



برادر نهایت گرامی، مهربان و با احساس حمید جان انوری!
اولاً از تمام مهربانی ها و زحماتی که برای اصلاح، ترتیب، تنظیم و آنلاین نمودن مضامین مرجان متحمل می شوید، تا زنده ام ممنون و مدیون شما خواهم بود.
سپاس بی پایان از مضمونی که به یاد یک خواهر و تقدیم به مادرش نبشته اید، که با دنیای احساس و همدری همراه می باشد. از خواندن آن مانند ابر بهاری گریستم و حتی نتوانستم که از های های و گریه بلند جلوگیری نمایم، خداوند به شما تنها استعداد سرشار نویسندگی ارزانی فرموده، بلکه همراه به آن برای شما یک احساس پاک و همدری نمودن با همنوع را نیز ارزانی نموده است.

اما مرجان اگر خودش رفت لاکن باز هم معجزه کرد و غم مادر خود را خورده رفت، و آن این است که مرا با شخصیت بی نهایت مهربان آشنا ساخت، زیرا در عالم نا آشنایی، اولین تسلی نامه که شما نوشته بودید، این طور آغاز شده بود:

"دولت جاوید یافت هر که نکو نام زیست گز عقبش ذکر خیری زنده کند نام را

وصف ترا گر کنند یا نکنند اهل فضل حاجت مشاطه نیست روی دلارام را

روح و روان زنده یاد "مرجان" گرامی باد! چه زیبا و با صفا عکسی از آن دخت دلسوز افغان است که ناخودآگاه اشک از دیده روان می سازد و بغض اندر گلو می گیرد. بخت از مردم افغان چرا برگشته است که حتی در هجرت هم دلسوز ترین ها و با صفا ترین ها را از دست می دهیم؟! از نوری صاحب محترم و یا هر هم وطن دیگر که به لسان فرانسوی حاکمیت دارد، عاجزانه تقاضا می کنم تا نوشته های آن دخت سرفراز افغان را از منابع فرانسوی ترجمه نموده و در اختیار علاقمندان قرار دهند، تا هم از داشته های آن دخت افغان بیاموزیم و هم بدین وسیله یادش را همیشه گرامی داریم.

درود بر روان پاکت ای دخت اصیل افغان!"

اما، باوجود دانستن این که: این غم بی انتها مرا هیچ وقت رها نمی کند: کمر همت بستم و باوجود نداشتن حاکمیت به زبان فرانسوی، شروع به ترجمه مضامین مرجان که در حقیقت میراث از مرجان به جا مانده است، پرداختم. کمی ها و کاستی ها زیاد است زیرا ترجمه کردن خودش یک کسب است و من از یک طرف به این کسب اصلاً بلدیت ندارم و از طرف دیگر هر لحظه آن با درد و غم همراه است.

دانشمند بی همتا و نویسنده توانا و منحصر به فرد، من مانند شما نه نویسنده هستم و نه برخوردار از هیچ نعمت خداوندی، یگانه نعمت و سرمایه زندگی ام را نیز خداوند از من گرفت، اما و لاکن همان خداوند مرا به افتخار آشنایی با برادر و دوست مانند شما لایق دید، امیدوارم که از این افتخار مواظبت کرده بتوانم.

همیشه موفق و از گزند حوادث در امان باشید.

با عرض حرمت.

فریده نوری